

در راه اتحاد وسیع همه نیروهای ترقیخواه

پلنوم شهریورا که کمیته مرکزی با بررسی و تحلیل اوضاع بحرانی کشور، برای استنتاج بار دیگر تاکید کرده است که "امروز همکاران و اتحاد عمل همه نیروهای مترقی و مدافع صلح با ایدار و آزادی خواهان کشور در راه آزادی مشترک و تامین اتحاد آنان در یک جبهه وسیع برای سمت دادن به اوضاع و روئندهای آتی کشور، اهمیت جدی یافته است. در این راستا سازمان میگوید همگامی همه این نیروها تا مین شود و اتحاد آنان در یک جبهه وسیع شکل بگیرد."

پلنوم برای شریختن ساختن کوشش های سازمان، ضمن تصریح مجدد دیدگاه های کلی درباره اهداف جبهه دایر بر سرنگونی رژیم ولایت فقیسه (جمهوری اسلامی)، تشکیل دولت موقت، تأمین آزادی، حفظ صلح و ترقی خواهان مجلس موسسان، اعلام کرد: "همه احزاب، سازمان ها، جنبش ها، جمعیت ها، شخصیت های مترقی، ملی دوست و آزادیخواه کشور که رژیم سلطنتی و رژیم ولایت فقیه را رد می کنند و اهداف این جبهه را می پذیرند، می توانند در آن شرکت کنند. شیوه های متفاوت مبارزه، مانع از شرکت این نیروها در جبهه نیست."

در گزارشی پلنوم از همه نیروهای سیاسی که در شرایط کنونی می توانند در جبهه شرکت کنند، برای نخستین بار نام برده شده است: "در شرایط کنونی این نیروها می توانند در جبهه شرکت کنند: حزب توده ایران، فدائیان خلق ایران (پیرویی نیسیه ۱۶ آذر)، حزب دمکراتیک مردم ایران، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، نیروهای سازمان نریکیهای فدایی خلق ایران (اقلیت)، حزب دمکرات کردستان ایران، حزب دمکرات کردستان ایران (رهبری انقلابی)، سازمان زحمتکشان کردستان ایران (کوله)، نیروهای جنبش ملی سیر خلق ها، جبهه دمکراتیک ملی ایران، سازمان مجاهدین خلق ایران و دیگر نیروهای دمکراتیک ملی مقاومت و همه ما مع و شخصیت های دمکراتیک که اهداف جبهه را می پذیرند. نهضت آزادی و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران و سایر جریان ها تا مین با پذیرش اهداف این جبهه می توانند در آن شرکت کنند."

تصریح و اعلام این مواضع برای حرکت بیشتر و شریختن فعالیت سیاسی سازمان تا امکان اهمیت بزرگ است. زیرا به فعالین ما امکان می دهد تا تلاش های رژیم چوپا نه خود را متوجه کرده و متحدان خود را شناسایی و با آنها همکاری و اتحاد برقرار کند. این مواضع، ستمگری و سطره استبداد مذهبی، به درجات گوناگون و سبب روتها و اسالیب خاص خود مبارزه می کنند. این در حقیقت پیروان راه تحقق اهداف انسانی و انقلابی سازمان با کام های واقعی است.

برای همه ما روشن است که در راستای دستیابی به سوسیالیسم، ما همه با نیا و زندیک تحول دمکراتیک و انقلابی است. این نیز برای ما روشن است که چشم انداز تحول انقلابی موقعی درجا معده پیدار می شود که مجموعه شرایط عینی و ذهنی به مرحله سیه معینی از پختگی و بلوغ رسیده باشند. بدیهی است

تجدید در صفحه ۲

در این شماره

- ☆ پیام شادباش به کمیته مرکزی حزب توده ایران در صفحه ۴
- ☆ بیانیه جبهه کردستانی عراق در باره در صفحه ۳
- ☆ استاد شهباز درگذشت در صفحه ۹
- ☆ زندگی و مبارزه در کردستان در صفحه ۱۰
- ☆ برداشت امروزی از سوسیالیسم در صفحه ۷

آزادی مبرم ترین خواست مردم ایران

حتی خطاب به سران رژیم هتدرا را داکه اگر به انتقاد گوش نکنند، انتقاد تبدیل به گلوله می شود. به علاوه مهین سدی بازرگان، رهبر نهضت آزادی نیز در اواسط مهر ماه در نامه ای خطاب به خمینی خواهان آن شده است که به سرکوب خشونت آزادی غایبان داده شود. خمینی پس از این سخن اظهارات و انتقادات به مسئولان و متخاصمانه زی شهری سبرده که مواضع فوق را اعلام کند. این صحبت ها در حالی مطرح می شود که طوسی ماهی از اخیر رژیم دورتای از ددمنشی و خشونت و سرکوب را علیه زمانهای سیاسی به ویژه زندان تیان سیاسی کشور دنبال کرده است. اعدام های دسته جمعی و بدون محاکمه زندان تیان، دفن اعدام شدگان در گورهای دسته جمعی که با بولدوزر خرد شده اند، قطع ملاقات کلیه زندان تیان سیاسی کشور در ماه های گذشته، شکنجه های مرکبانه که با خسیسار تکانه دهنده آنها تنها این اوار خربه خراج زندان درز کرده است، هجوم منازل مخالفین شناخته شده رژیم، راه پندارها و با زرسی های شهری و دستگیری بیشماری افرادی از این مدت، همه و همه نشانه های آن است که رژیم در عمل نه تنها به سیاست سرکوب فوق حنا بیتکارانه خود هم چنان ادامه داده، بلکه در اسبابه نیز، از نو در تانستان گذشته، به آن وسعت بخشیده است.

یک ماه بعد از اعلام استعفا موسوی در مطبوعات حکومت که حتی شخص خمینی نیز در جریان آن گذاشته نشده بود، متن نامه های محرمانه موسوی و نامه های به یکدیگر در راه استعفا موسوی مذکور به خارج از جرم خود در گذر. محتسوی این نامه ها و افشاگری های که در آنجا صورت گرفته است، دارای اهمیت زیاد است و گسترش اختلاف در این حکومت را آشکار می کند.

خود افشایی سران حکومت

موسی در استعفا نامه مفسر می نویسد: "صلوب اختیار شدن دولت در سیاست خارجی، امروز مورافغانستان و عراق و لبنان در دست چنا بیالی است. نامه های به عنوان کشورهای مسای مختلف نوشته می شود، بی آنکه دولت از آنها خبری داشته باشد. اینجا به عنوان نخست وزیر از این نامه ها جز در موارد استثنایی و آن همه ظهور اتفاقی می خورم."

او در باره نقش دولت در طراحی سیاست خارجی رژیم می نویسد: "نخست وزیر محترم از این برای ریاست محترم مجلس و ریاست محترم مجلس سراسری نخست وزیران تا مین می نویسد و اینجا تب در یک مراسم رسمی و مردمی از این ماجرا و متن نامه ها خبر می شوم. آقای لاریجانی در جای می گوید که است از پنچ کانال سازمان آمریکا تماس گرفته می شود و بنده به عنوان رئیس هیات وزیران از این گمان ها

تجدید در صفحه ۴

گرافمایه حافظ گرامی باد

ششمین سالگرد درگذشت حافظ شیراز

ششمین سالگرد درگذشت حافظ گرامی باد. مناسبتی دیگر در میان مردم روشن اندیش و صاحب دل ایران، افغانستان، پاکستان و دیگر داریا های فارسی زبان و فرهنگ همواره با دهن با زبان و انجمن ادبی و هنری در سراسر جهان، با دایسمن پروردگار و شعروزیبایی را گرامی می بدارند. تا که گرامی میباشند این زیبایی آفرین مرد آیه ننگ ژرفا شکاف در حلقه روشن اندیشان و در میان توده مردم سزمین ما بی نیا از مناسبتی خاص است. تا که در شناختن و شناساندن و آرنج نهادن این شیخ تکامل شعروکلاسیک فارسی، روشننگران و توده مردم کشور ما حق را داده اند و دستا دستی بر ترا زهمه در بزرگداشت ششمین سالگرد درگذشت او شرکت می کنند. و درینا که ششمین سالگرد وفات حافظ، درست هنگامی قرار رسیده است که شیراز عزیز ایران گرامی او زیر سطره گزمنگان و با لوسان و وزاهدان ریایی و واعظان و شیخان فاسدی که و همه عمرا در خردن آنها سیری کرد، دست و پا می زنند و سار دیگر، و هزار بارید ترا زعمرا و شلاق و شکنجه و تعزیر و "خشکتی و خدزدن" رواج یافته است. درینا که امروز هم حافظان و حافظ مسلکان دریند و در قنار و "زاهدان ریایی" و شیخان خون آشام برهست و

تجدید در صفحه ۸

زنده باد صلح، زنده باد آزادی، مرگ بر خمینی

از نبرد فداییان خلق

کادرها و اعضای رزمنده سازمان با بهره‌جویی از جبار گرگوار تقدیرهای بسیار زنده مخفی، انگشتن...

کاشندیدورود شوراییست یا فیتنیه؟

- ۱- علت وانگیزه‌ها که نپذیرفتن خود را چه نسبت عضویت در شورای اسلامی بنویسید.
۲- یک نفر کار نپذیرفتن شورای اسلامی با بدجهه شخصیت داشته‌اند؟
۳- به نظر شما کارگران با چه تعدادی به شما رای خواهند داد، به چه علت؟
۴- انتخابات ۸۰، ۷۰، ۶۰، ۵۰، ۴۰، ۳۰، ۲۰، ۱۰، ۰ در مورد وظایف شوراهای قانون کار و ... است.

با ثنین برتاب نمودگه خوشختا نه متعجب به مجرد وی نشد. اما با عت ندهکد او را از ادا نشکد ها خارج کند.

در همین دا شنگه ای یکی از ادا نشجویان دختر رشتا کتقا دهنه گیان از جای خود بلند شده، بیستت میزاستاد می رود و ادا نشجویان می خوا هدهکه ساکت در جای خود بنشینند و به درس ا و گوش فرا دهند. پس از ادا عتبا تلاش، با اواخره موفق می شوند به کمک بدرش او را به زورا ادا نشکده بیرون ببرند.

یکی از ادا نشجویان رشتزه‌زیست شناسی که سر اشران راحتی های روانی از اوها از به تهی‌سران مشتعل شده بود، سرکلان در میان صحبت های استاد می برید و حرفهایی می زد که همه را به خنسد می می‌داشت.

کنکسور

خانمی می‌گفت: "بسم که جزو سه‌میبه ارش بود، با رتبه‌بالایی در کنکور رتبه‌برفته‌شد. او را کسری مطا حبه خوا ستند و پرسیدند: " منتظری کبه و کسری ا نتخابش کرده؟" " بسم جواب داد: " اما ما نتخابش کرده، مطا حبه کشنده عصبانی شده و با توپ و تشمسیر ادا زد: " اما چرا ما ما نتخابش کرده؟" سخنرانی خیرگان ا نتخاب کرده. شما ردهستید." حالا چند روز دیگر می خوا هند بسم را به سریا زی ببرند.

طنز

دربخشی شیبات ادا ره مخا برات نوشته‌هایی با این مضمون نصب شده‌است که "لو" کلمه فریسی است. به جای آن "یا الله" بگوئید. مرا حیسب تلفظنا نه‌ها می گویند: ا تخووع به خو د تلغن با ید گفت "لسان الغیب". چون تلغن هم کلمه فریسی است، ایلا با ید گفت: "آقا... این لسان الغیب مطا جواب نمیده، با فلانی. دیروز لسان الغیب زدم، نبود!" و یا اینکه کلمه فریسی که فقط "لو" نیست چیزهای دیگر هم با دعوی شوند. مثلا به ز ت با ید گفت ذوالفقار. با به بنزهای فذکولولسه آقا یان با ید گفت: ذوالحنا.

طالب اینصاحت که یکی از حزب الهی‌های دوا شنه که تسمخر همگان را شنیده بود، او اردکا بین شد و با ادا سو فریاد گفت: "یا الله یا الله یا الله... السور

چرا از زکمت هزار تلو یزیونی که از ادا سیریک محترکه دست آمد، حتی یکی هم عکس از محترکه را نشان نداد؟؟

معرنی شده‌باشد. دوروز بعد، مجلس با ۲۰۴ رای موافق از مجموع ۲۱۷ نفرا فر د ر مجلس، نخست وزیر و ا او را تصویب کرد. در ۱۹ تیر ماه، طرفداران دولت طرح عدم اجرای ماده ۱۲۵ آئین نامه مجلس را از تصویب گذراندند.

مذکور تا پایان ریاست جمهوری خامنه‌ای است؛ انا ره کپیبا ن روشن می‌کنند که هدف ممویه مجلس، زیر ضربه فرادادن چه کسی بوده‌است. رسالتی‌ها یسا این معصده مخالف بودند و شورای نگهبان حلسوی ا ن ایستاد، چرا که بیکار تعدادی از وزرا مخالفت جدی وجود داشت.

ساز زشد ۱۰۶ نما پنده به او رای مخالف دادند. به‌طوریکه فقط با مدافله خمینی بود که او باقا شد. علیرغم تلاش‌های مجلس، اختلاف بر سر ترکیب کابینه حل نشد و موسوی راه استعفا را ا نتخاب نمود و ا ن را نیز بدون اطلاع خمینی در مطبوعات درج گشت. اکنون ادا مته درگیری کا ش با فته و به دستور

خمینی، موسوی استعفا ی خود را پس گرفت و به سرکار خود با زکشته‌است، اما در عویش ا ن توا نشته است تعدادی از وزرا را که خامنه‌ای و جریبا ن رسالت با وزارت انا مخالف بودند، در ترکیب کابینه جده بد و اردگند. با این حال عوا ملی که موسوی را برسند استعفا و ادا شتند، همچنان با برجا وقعا تلغ و مانع از ا ن هستند که بینه ا ز قدرتی که موسوی طلب می‌کند، برخوردار شود.

این کابینه نیز در جمعبه تفاهدها و شنا قضا ت ز بسوز درگیری با ی درون هیات حا کمه گرفتار شده و از کار مورتیبا زمی تا نسد. استعفا ی نخست وزیر و ا نرا نیز با تفاهدهای محرمانه فوق، قبل از هر چیز گسترش بحران و شکاف در ا س حکومت را به نما یی می‌گذارد و مویبا ن است که گشا کش در درون هیات حا کمه شدید تر شده‌است.

بردا خته و در این خصوص، کلوی مبارک را یا ره کردند. انا در ا نتهای سخنرانی متوجه خمیا زه‌های بسی در پی حضا ر شده و چندگلمی هم را چه به شور و محسنا ت ا ن از یک طرف و سندیکا و ضرهای ا ن از طرف دیگر محبت کردند و با ا لاخر در ا خر سخنرانی بسسه جالوسوی و تلغی گوئی از کارگران بر ادا خته و ضمن اینکه اشک تصاح می‌ریختند، از کارگران عذرخواهی نموده و ظاهرا اعتراف کردند که ا بن رژیم کاری برای کارگران ا نجا مته‌ا ادا ست. اما کارگران با بسده صر دا شته‌باشند، زیرا با قانون کار جدید همه مشکلات کارگران حل شده و به شما خواسته‌باشند؛ خوش نیستید.

در میان جلس، کارگران سئوالاتی نوشته‌وبه ا دادند. سئوال اول این بود: با توجه به اینکه ۹ سال از انقلاب می‌گذرد، بالاخره تکلیف قانون کار چه می‌شود؟ پاسخ آقای سلامتی این بود: ایسن مسئله به محم تشخیص صلاحت مربوط است. سئوال دوم هم این بود: چرا به یقین بهدا دت در مان و آب ویرق ساکنین جا ده‌سا و هکه ا غلب متعسف و از کارگران همین کارخانه‌های جا ده‌سا وهستند رسیدگی نمی‌شود؟ جواب آقای سلامتی این بود: این مسئله هم به عهده مسئولین مربوط است. بعد از این ادا آقای سلامتی مشکلات کارگران را بررسی کرد و به سخنانی قانع کننده: "مرحمت فرمودند، آنگاه عملکرد دشمن‌ها هشورا توسط یکی از اعضای ا ن بسه سمح کارگران رسید. عملکرد دشمن‌ها هشورای اسلامی کارعبارت بودا ن؛ کمک به معلولین؛ فلان مبلغ کمک به جبهه، فلان تعداد دنیرو، فلان مبلغ پول کمک به خانواده شهدا و مفقودین و ... پس ا ن از ترانت بیان ۶ ماهه شور، چه جا و چه زیبا گفت: یکی از کارگران، ا او منرا ا سبکه بخندی بر لب داشت گفت: "خوب، می‌گفتید ار ائه عملکرد دشمن‌ها هشورای اسلامی جنگ! و خیال خودتان را راحت می‌کردید."

به این ترتیب مراسم ختم یافت. کارگران که به علت ستم‌بودن درها و حل‌وگشایی از خنسورج سرویی‌ها مجبور بودند تا آخرین لحظه در مراسم ارا شه‌بیجان کار شش ماهه "شورای اسلامی جنگ" شرکت داشته‌باشند با حیرت به هم نگاه می‌کردند. کسری می گفت: "بسی مسئله‌طفه‌بندی جهند؛ دیگسری می گفت: "تعاونی مسکن بولیانی را که ا زما گرفته کارش به کجا کشید؟ سومی می‌گفت: برای تعاونی مصرف با این دنیا بی مصرف چه فکری کرده‌استند و اعتراضات و بیجه‌های دیگر که البته و صدا البته جواب نمی‌آیند، روشن است؛ شورای اسلامی کار با ا ن اسانسه مویبا ن ترکیب هرگز در اینست با سخگوی مسائل و مشکلات واقعی کارگران باشد.

انقلاب فرهنگی

اختناق حا کم بردا شنگه‌ها و فشار عصبی و روانی روزمره روی دانشجویان، فقدان امکانات، فشارگرانی، بی‌ممکنی و دهجا عامل از این قبیل، متعربه افزایش بیما رهیای عصبی و روانی در میان دانشجویان گردیده‌است؛ چندی قبل در یکی از خوا شنگه‌ها ی ادا شنگه ا مقیان ا دا نشجویی خود را از طبقه پنجم خوا بگا به سه

شش ماه پس از تشکیل شورای اسلامی کار در ریک کارخانه شهرا، شورا تصمیم گرفت که گزارش عملکرد شش ماه خود را به کارگران کارخانه ارا شه‌دهد، بسه همین خاطر در روز ۶۷/۲/۱۸ مجمع عمومی را تشکیل داد و برای آقای سلامتی دهجه عنوان سخنران دعوت به عمل آوردند. ابا آقای سلامتی به سخنرا دعوت پردا خته. ا یسان که ا سا سا فراموش کرده بودند بسه چه دلچلی در این جلسه شرکت دارند، ازا ابتدا تا چند دقیقه به ا خر سخنرانی را فقط به مسائل جنگ و بیجه

خودانگیزی...

موسوی در برنده‌های دیگر نماش به فسددرت نا کا فی دولت در ادا ره کشور و تعدد مراکز قدرت در رژیم آگاه می‌کند. استغفا نامه موسوی، سند افشای رژیم است و گوشه‌ای از سیمای ترورریت، ضملی و بحران زده ا ن را ترسیم می‌کند. این نامه در عین حال بی‌نگر تما یلات نیرویی در رژیم است که خواهان استقرار نظم و نسق بورژوا یی در ادا ره کشور و متمرکز کردن قدرت در دست دولت و حذف مراکز تعدد تصمیم‌گیری است، بدون آنکه در این نظم بورژوا یی، آزادی و حقوق دموکرا تیک مردم تضمین شده‌باشد و خواهسته‌های ا ن در مورد توجه فرار بگیرد.



سازمان
م
ه
م
ه
م
ه
م
ه
م
ه
م
ه
م
ه
م

سبیه از متجدد

گرامی باد

خت همه جا نبه حافظ دستپایی به تودرتوی او باید از گنجینه گنبار عظیم حافظ شناسان کشورمان بهره برای بی بردن بهراز رخنه غزلیهای جان نودده مردم، بیضی از همه با بدینه بوع کرد. با بداد است که گدکدک منیا زها و موروشنگران آنها را درطول تاریخ سبیه سوی حافظ کنیده است. با بداد است مردم بی دربی التیا مکدا مین دردها و درجستجوی دامین خواسته ها و خواش ها به غزلیهای حافظ روی می آورد. بیگمان را زنیفودی بی رقیب سی و حافظ در میان مردم، بیضی از هر جیز در همدلی وحی و همراهی آنان با مردم است. فردوسی حماسی ملت، روح غرورمند، رزمند... هستی برست، صلح دوست و عدالت خواه مردم و حافظ ن غنید و هادیدوار جان ستیمتیز و دروغ گریز و زاده و ذوق زبیبایی دوست وزیبایی آفرین مردم کهن تاریخ کشور ما است. فردوسی روح حماسی تاریخ ما و حافظ زیبا ترانه دل و جان مردم ما است. فردوسی حماسه ها و حافظ ترانه جان مردم ما است. حافظ درنگی و جهانگیری حافظ را با پیروان زرف اندیشی و آزادیگری روحی و بالاتر از هر خصوصیت دیگری، درزیبایی شناسی و آفرینشگری او جستجو کرد. زیبایی شناسی حافظ، جوهر بیستک

چنان شناسی شکفت انگیز است که و راهی گفته های صریح خود و در باره مولات فلسفی و جهان نشناختی با بدان را جستجو کرد. اندیشه های ما تریا لیستی، ایده لیستی و یا شنگا کیتی که می توان از غزلیهای حافظ بیرون کشید، هیچکدا منعی نخواهند را ز حیوان حافظ را قاش بازند. جهان حافظ، جهان سراسر غرقه در رنگ و آوازه و نور و شور و رقص و ترا نه عشق و اندوه و زیبایی و زیبایی و بیباکی و همها بیبیزی شکفت انگیز و لرزانند انسا ن و خدا و خاکینسا ن و قدسیان و زمین و آسما ن و کچکشا ن و درآ میختسن جان شیفته و شیدای بشرنکیننک به هر ذره ذره زمین و کاشتا ن است. در این جهان که گفت انگیز است که ذرات هستی به رقص می آیند و عطر خاک و غمزه غنچه و خنده گل و تواریش نسیم در تب و تاب جان شیفته است انسان فراموش نشود آسما ن و کچکشا ن تا بلششایدی دست انسا ن فرو می آیند و زمین بر می خورد و هستی در چشمه خورشید حلا می آید و گرمی جان از رگ همه... ه هستی میگذرد. هستی بیگانه می شود انسا ن بر این بیگانگی بر می شود و دنیا بیانش را ترانه میدی ما زدو غمیدیده می شود و شور و شوری می رقصود همه هستی را به جوش می و بویشی دیگر کونیه بر می انگیزد.

آری! حافظ همچون رازی است و راز حافظ، راز عجبیبی است. زیبایی شناسی و زیبایی آفرینی حافظ، آزادی و آزادی اندیشی او، ستیمتیز و خرافات شکنی او، شوریدگی حافظ و شور و شورش او علیه شاهان و شیخان و عسروا به شکنی ها و سنت شکنی های او، همه همه از مقیاس ها و معیارها و ظرفیت های عصر او فراترند. بسیاری از آفریده های اندیشه و احساس او امروز همان زه و گاه های پیشرو هستند. زیبایی های که حافظ آفرید، امروز و با مقیاس های امروزین نیز سترگ و جده سا دست نیافتنی هستند. زمان بر حافظ غلبه نیافت. او در گذشت اما در دل و جان مردم خود و در دل جان بسیاری مردم در جهان زنده ماند. غزل های او چون برگ های زر از گذر زمان زنگار نگرفتند. غزلیهای او همچنان زنگار ز قلب ها بر می گرداند و به نشان ترس زوایی روح انسان، معا صر نفوذ می کند و شش در رسد اما پس از مرگ سرا پندیده، خوانندگان این سوی زمان را به شور و شیدا یی می کشاند و به حسنی شفت در جان و جا معسه بر می انگیزانند.

پیش از من هیچ آفریده ای نبسود ای که پیا پیسه درون می گذاری دست از هر گونه امید ستیه باش!

آن دو، کناره هم بر لبه این صفاک تاریک ایستا ده اند. خیا م و وحشت زده در طلما ت عدم می نگرد، به حکومت دورا ز عدالت خود اعتراف می کند، فریاد می کشد و دست و پای زنده، می خواهد بیدار کند. "جرا؟" و چون به با سخی قا تع کتنده نمی رسد ما بوسا ن به "خود فراموشی" پناه می برد.

حافظ نیز خالی از وحشی نیست، و گپها دهان تین وحشت با همه با همه با دیا هاش در کلام بلند او متجلی می شود:

اگر نه ساد غم دل زیاد ما بپسرد
نبین جا دشه بنیاد ما زحما بپسرد!
وگرنه عقل به مستی فرو کشد تلنگر،
چه گویند کشتی! ز این ورطه بیابان سرد؟
دل ضعیفم ز آن می کشد به طرف جمن
که جان زمزم خیمه تیار می صبا بپسرد!

لیکن حافظ معمولا به وحشت از عدم محال نمی دهد، فرصت حیات تنگ است، وبه هر حال چون میاید فرصت میپسود به اندیشه رفتن و وقت قایع چرا با بیدر کرد؟
تفاوت آن دو در این است، در پی افشای خیا م به نا گهان در پی افشای حیا ت که زبر پرده حیا ت توطئه ای کشیف و نا بکارانه در کار است. جنگ در گریبان عامل توطئه افکنده هر دم به تقبیح او سرگوفتی دیگری جوید، اما برای حافظ مساله به گونه ای دیگر مطرح است. او نیز چون خیا م در وحشت و تا سف غوطه می خورد، لیکن وحشت و تا سف خیا م از مطلق عدم است و تا سف و وحشت حافظ از تبا های حمال. و دیگر هر دو صلابت و خوشبانی در می دهند، لیکن خیا م به قصد خود فراموشی و حافظ به قصد جلا جیج و معا رضه تا شیخان ن جر می آیزک سو

می صوفی افکن کجا می فروشنند،
که در تبا بم ز دست زهدریا ششی!

و برای لذت بردن از نشاندگیات از سوی دیگر:
بزرگ بحرفنا منتظرم، ای ا ساقی
فرستی دان، که زلب تابه دهان این همه نیست
از نظر کا حافظ، گروهی دودوز با زیر کار خلق خدا را با میدیاداش آن جهانی فریفته مانع شده اند از تنهایی که برای برخورداری از نعمت زندگی در اختیار دارند بهره گیرند. آن خلق را موعظه می کنند که "از حیثه دنیا چشم ببوشید تا در بهشت ابدی از یاداش خدا ونده که با را گفته است من فقیران و محرومان از دوستی ما درم بهره مند شوید. سودای ریاست و قدرت را از سر به در کنید زیرا! این همه مستلزم گنا ه خواهد بود و خدای قسا در متعال دوزخ و عذاب الیم را تنها برکشیدگان مقرر فرموده است." اما خود به این جهان لذت می برند و در نظر ریاضا ن مساک و تقنا ت می دهند. در تناسا زو نعمت غوطه می خوردن و با غارتگران جاصه در منا فح طله شریکند، و در انظار فقیر ریاضا می کنند. موعظه ها را به جز این معنا و مقصود نیست که "نقد را به ما واگذاردید و نسیدان نشا" یا "گوش هوش به موا عظ ما دا شته با شید تا آسوده خیال دست در حیا تان کنیم." به خدا (که با ورش می توان ندی بردا نشان بود که میاید در حیا تان بپسرد و چنان را بپنداری تنها به هیمن منظور به وجود آورده است. بیما ری از او با خسته ندکه! ریاضا نیش قدر قدرتی خود گیند و می شود به هیمن سبب مخلوق نا توان خود را چنان کودکا به در تنگنا گذا شته است که جز شکنجه جسمی و روحی دیوانه وار از او نمیسی می توان نداشت، چندان که اگر آدمی بخواهد نجات از عذابش را سرا سر عمرا با زنجنج عبادت او بیرون نگذا رد نیز با زتبا "خواست خود را بنیاند" نتیجه مقهور نخوا هد بود چرا که او تنها و تنها "بحسب میل خوش، هر که را بخواهد رستگار می کند". و این همه برای آن است که خلق نا دان، بیم زده شادی و برخورداری از حیا ت را برخوردار کرده هر زیبائی

حافظ راز عجبیبی است. به راستی کیست این قلندریک لاتیبای کفر گو که در تاریک ترین ادوار سلطه ریاکاران و زهد فروش، در نا ها ریا زار از اهدنا یان، و در عصری که حتی جلا دان آدمیخوا مرغوری چون انیر مارزا الدین محمد و سرش شاه شجاع نیز بیبسا ن حکومت آنجانی خود را بر حردن و خمشگشتن ونهی از منکرو غزوات مذهبی می دادند، بیگانه و عده رسا خیز را انگار می کند، خدا را عشق و نسیطان را عقل سل می خواند و شنگ انداز زودست افشان می گذرد که:

این خرقه که من دارم در رهن شراب اولی
وبسن دفتر بی معنی غرق می ناب اولی!

کیست این آشنا ی نا شناس مانده که چنین رود روبا قدرت ایلیمی سخنان روزگار دلبری می کند که:
بیر صفا ن حکایت معقول می کند
معدوم ار محال توبسا و رمنی کنم!

با تمخر زنان می برسد:
جو طفلان تاک، ای زاهد، فریبی
به سبب بوستان و جوی شرم؟
و با آشکارا به با ورنه داشتن موا عید مذهبی اقرار می کند که فی المثل:

من که امروز همیشه نقد حاصل می شود
و عده فر دای زاهد را چرا با ورکنسم؟

به راستی کیست این مرد عجبیک که، با این همه، حتی در خانه قشری ترین مردم این دنیا رینیز کتایش را با قرآن و مثنوی در یک تاقچه می نهند، بی تپارت دست به شویش نمی برنند چون به دست گرفتند همچون کتاب آسمانی می بوسند و به پیشانی می گذارند، سروس غیب. مهاد بنند و سرنوشت اعمال و انفعال خود را با اعتمادا مبدو می سازند.
کیست این کار که در حیا ت در حیا ت بیغبران و اولیا الهی شش می نشاندند!

با روی جستجوی حافظ (که نه سنای علمی، بلکه بیشترا انگیزه هوسا احتما می داشته است) تا گریز او را خیا م هم عقیده می کند که زندگی با مسرک جسم به فنا ی مطلق (رفتن بی با زگشت) یا با ن می پذیرد، مرک با یان میاید حیا ت فردا ت، و



استاد شهریار درگذشت

روزیکشنه ۲۷ شهریور ماه، استاد محمدحسین شهریار پدرسن ۸۳ سالگی درگذشت. بیگرویی در میان غم‌انده مردم تبریز در مقبره اشعرا به خاک سپرده شد.

استاد شهریار از چیره‌های برجسته شعر معاصر ایران بود. اولین مجموعه اشعار وی در سال ۱۳۰۷ با مقدمه ملک الشعراء بهاء روسعدت‌نقیبی منتشر شد. اکثر اشعار فارسی شهریار در کتب کلیات دیوان وی به چاپ رسیده است. شهریار علاوه بر آثاری به زبان فارسی، به زبان آذربایجانی نیز اشعار زیادی سروده است. اولین اثر مشهور وی به زبان مادری خود منظومه بلند "حیدریا یا به‌سلام" نام دارد. این اثر یکی از شاهکارهای ادبیات آذربایجانی به شمار می‌رود. "حیدریا یا به‌سلام" که در نوع خود کم‌نظیر است، از زوینا زنا عراست با کوه‌زا دگا خود، شاعر ازدوران کودکی خود با بیانی ساده و صمیمی سخن می‌گوید. آ مینش کلام غنا با فته و احساسات عمیق با زبان دل انگیز اما نه شوکتی‌های فیلکلو ریک ادبیات شفا هی خلق آذربایجان در این اثر سرچا ویدان شهریار به آنگارترین شکل خود تجلی یافته است. منظومه "حیدریا یا" علاوه بر این که درجه‌ای است به‌دنیای کودکی شاعر، در عین حال آرزوهای مردمی و توصیه‌های اخلاقی وی را به شکل مردم‌پسنی آرایه می‌دهد. علاوه بر حیدریا، شهریار آثار متعددی دیگری به زبان آذربایجانی خلق کرده است که در کتاب منتخب اشعار وی به‌زبان آذربایجانی منتشر شده است.

شهریار که درجه‌ای معاد با ایران بیشتر است، غزل‌ها اشعار شایسته است. علاوه بر غزل و سه طوکلوان اشعار عروضی - در اغلب قالب‌های شعر فارسی و آذربایجانی - از جمله اشعار هجایی و آزاد شعر سروده است. قدرت فوق‌العاده تخیل، قافیه‌پردازی‌های بدیع، تشبیه‌سازی‌های ماهرانه، تسلط بر زبان و بیان، تصویرپردازی‌های جاننده، لطف‌آفت احساس، سادگی و صمیمیت، استفسارده از اصطلاحات خودویژه، ضرب‌المثل‌های عامیانه و جذابیت فولکلوریک، از ویژگی‌های هنر شهریار است.

شعر شهریار در عرصه زبان، گاه به‌قلل رفیع زبان ادبی سر می‌کشد و گاه به‌سای فیلکلوریک به‌خود می‌گردد که تشخیص آن از ادبیات شفا هی خلق بسیار سخت می‌گردد.

در بررسی آفرینش ادبی شهریار روح‌گذاری به میراث فنی وی، باید همواره بر این نکته تأکید داشت که زبان فارسی، زبان مادری او نبود، بسا

متاسفانه تئیه‌گاری‌های رژیم اسلامی و تئیه‌ب ویژه خودشاعر، سبب شد که شهریار در سالهای آخر عمر خود نتواند آن طوریکه آرزوی انتظار می‌رفت در مقام معاد ایران ظاهر شود. ضمن تأسف از فقدان استاد شهریار، در پایان کزیده‌ای از "حیدریا یا" را می‌خوانید:

حیدریا یا ، مردا وغول لاردوغکینان
تا مردلرین بورونلارین اوغکینان
گدیگلرده قوردلاری توت بوغکینان
قوی قوزولارآیین-شایین اوتلا سین
قویونلارون قویروقلارین قاتلا سین
بیرا وجیدیم ، بوچتر بیلین ن بئلین
با غلاشیدیم ، داغدان باشا نئیلین
آغلاشیدیم ، اوزاق دوشن ائیلین
بیرگوریدیم آیریلیقی کیمسا لدی
ئولکه میزده کیم قئلدی کیمسا لدی
من سنین تک داغاسا لدیم نفسی
سنده قیتردا غلاراسا لدی بوسی
با بقوشوندا ، دارا ولما سین قفسی
بوردا بیر شیر داردا قالیب با غلیر
مروت سیز ، اناسا نلاری جا غلیر
حیدریا یا ، گون سینه‌وی دا غلا سین
اوزون گولسون بولاغلا رین آغلا سین
اوناقلا رین بیردسته گل با غلا سین
بیئل گلنده ، وئرکتیر سین سویا تا
بلکه منیمیا تمیش بختیم اویا تا
حیدریا یا ، بولوم سننن کچا ولدی
عمر و کجده گلنم دیدیم کچا ولدی
هیج بیلیمرم گوزل لرین شچا ولدی
بیلیمزیدیم ونگه لرواردونوم وار
ایتگین لیگ وار آیریلیق وار اولوم وار

سر زحیرت به‌در می‌گفته‌ها می‌گسردم
چون شناسای تودرمومه ، یک پیرن نبود!

کهم آزاداندیشی او چنین گرایشی را اجازه می‌دهد، هم‌حاصل تنبذ او، از آرزوئی که لحن و زبان پیخته‌تر دارد و پیداست که می‌باید از آخرین سروده‌های او باشد نیز "می‌توان" چنین استنباطی کرد:

بر دل‌م‌گرددسته‌هاست . - خدارا ، می‌سنند
که مگرددشود آئینه مهر آئینتیم .

یادداشت امروزین ●●●
انتقادات و مباحثات ، فعال ترین مبدران بنوسازی هستند. نظر خواهی و دیگر اشکال و شیوه‌های سخت‌افکار عمومی که منظم صورت می‌گیرند، با بیداری تکرار کردن و ارزیابی ارمانها و روحیات اجتماعی نقش خود را ایفا نمی‌کنند. البته چاره‌ای نیست و سخنان و اظهار نظیر "این همان جن" را از بی‌طبری آزاد کردن است، به‌گوش می‌خورد. فکرمی کتم‌دلیلی نداد که حزب ما از رشد تحرک اجتماعی و انتقاد از نارسایی‌های خود بترسد. همان گونه که لنین اعتقاد داشت ، شمشیر علنییت و انتقاد ، خود، زخم‌های وارده را شفا می‌دهد.
ما در اکثرش دموکراسی ، برای نقش حزب در تمام حیات جامعه مان اهمیت اساسی قایل هستیم. گاملا آنگار است که نقش رهبری کننده حزب نمی‌تواند تضعیف ندهد و یا تشبیه عملکردهای هما هنگ کننده محدود شود. برعکس ، ما در صدد هستیم که تا شبح حزب بر روندهای اجتماعی را تقویت کنیم. اما تشبیه‌های اداری - قریا ندهی ، بلکه از طریق متمرکز کردن نیروهای حزب حول دو سبب عمیق نرونیادی روشوری و سیاست ، حول تحلیل روندهای اجتماعی و تا شبرگذاری بر افکار عمومی از طریق ابزار سیاسی و ایدئولوژیک خاص حزب .
برداشت جدید از سوسیالیسم به‌گونه‌ای گسستنا پذیریا تشبیه می‌گردد و موقعیت این نظام در جهان معاصر پیوند دارد. همان گونه که در تشبیه سرشت سوسیالیسم ، در این جا هم‌پایه‌ها به‌یاری درک لنینی از بی‌سیاستی مسالمت آمیز با زگردیم‌وان را از نارسایی‌ها و پیرایه‌های دوره‌های بعدی کتم‌دلیلی می‌کنیم. همزیستی مسالمت آمیز در حال حاضر روندی طولانی و دراز مدت به‌نظری رسد که مرزهای تاریخی آن را به‌سختی می‌توان تعیین نمود.
این نظر که سوسیالیسم بر ما بیداری گویا می‌تواند تشبیه‌طور موازی انگشتان پابند نیز گنیده‌هاست . برعکس ، راه‌های رشد و تکامل این دو نظام ناگزیر تلاقی پیدا می‌کنند و هر دو سیستمنا گزیر در چارچوب یک تمدن بشری و جد همگاری می‌نمایند. البته محبت نمی‌تواند در برتقا رب دوسیتیم و دغا مانیا شد. حیرت یک از این دوسیتیم ، طبق قوانین خود برسد و تکامل ادا می‌دهد. اتفاقا مسالمت‌های دوران حاضر توضیح دقیق تری در مورد تشبیه اولویت‌های عموم بشری و طبقاتی در مباحثات متقابل دوسیتیم طلب می‌کند. امروز که ارزش‌های عموم بشری تحمیه‌غایت مشخصی یافته اند و قبیل از هر چیز در تمام جهان نوع بشر تجلی می‌یابند ، همانا این ارزش‌ها هستند که در مباحثات بین‌المللی در مدرن‌تر رویکردها تشکر نوین سیاسی را تشکیل می‌دهند

گرمایه حافظ گرامی باد

ووسله‌وامکانی را به‌خاک راه افکند و هر اسان رورستا بدوشان بک‌ذرد ، و فریب کاران کینه‌دست از دستان بیاید و برده‌ها رندوبیند و زند.
رونق با زار و رهنشوعان فریبکار روچیا ران مردم‌سوار در کورنا آگاهی و حیل مطلق خلق است ، و حیا دحافظ در راه آگاه کردن خلق از حقیقت حال . اما هیچ چیز نمی‌توانسته است در آن روزگار ، حافظ ایبا هرا ندیشتمندیک سرور را مستقیما با انسان و حقوق و امکان‌ناشیر توجه دهد. لاجرم او نیز به‌قتضای محدودیت فکری و علمی زمانه ، علی‌رغم آزاداندیشی خویش ، در تبار انسان جزیه‌مانا به‌وسیله نمی‌گردد ، و به‌ناگزیر ، سرگشته‌ویی تاب‌درجست و جوی غایت به‌هر سو را می‌گشاید اما چون به‌روشنی نمی‌داند چه می‌جوید ، سرانجام نومید و خسته فریادسرمی آورد :

جوهر خیر که شنیدیم ره می به‌حیرت داشت
از این سین من ورندهی وضع بی‌خبری !
البته دقیقاً نمی‌توان گفت این آخرین مرحله سفر دراز و پریح و خمم اودر قلمرو اندیشه بوده است ، چرا که در دیوان او بیایه‌هایی نیز هست که از دیگر سوهای حیرت‌وی خبری به‌گوش می‌آید. یعنی از قلمرو دریافت و آگاهی :

دوش دیدم که مملکت در میخا نه زده‌ند
گل آدم بسرشتند و به‌یما نه زده‌ند ،
ساکنان حرمش و عفاف ملکوت
با من راهنشین با ده‌ستا نه زده‌ند .
آسمان با رانانت نتوانست کشید
قرع‌فال با رانانت من دیوانه زده‌ند !
جنگ هفتاد و دو دولت ، همه را عذر بنده :
چون ندیده حقیقت راه‌ها نه زده‌ند !

چنانکه گذشت ، حافظ به‌سخت و جوی حقیقت ، تمام اندیشه‌ها و مکتب‌های فکری و مذهب و معتقدات روزگار را خود را زبور و کرده گوش طلب به‌هر چیزی پست آورده ، و این بدان معنی است که دیوان او را می‌توان از این لحاظ به‌سه دوره‌های مختلفی تقسیم کرد. به‌عنوان مثال ، همان طور که با اعتماد دکا ممل می‌توان بدیفرقت که در دوران نوجوانی خود سخت متدبیب بوده قرآن را از سر داشته است ، می‌تواند در راه و آخر عمر فی‌المثل ، چنان که گروهی هم بر این عقیده‌اند ، حتی به‌آئین مهرنیز گرایتی پیدا کرده‌ها شد :

رژیم خمینی کماکان سیاست سرکوب را در کردستان پیش می برد، اما در مقابل به مقاومت مردم و با توجه به تجربه چندین ساله خود، این سیاست اشکال بیجده ترموژورانه تر به خود گرفته است. رژیم بناچار شده است که با مسائل سیاسی - اجتماعی و فرهنگی مردم سرخورده بی داسته با شود در پاره ای موارد در صورتی که مردم تمکین کنند، اما سرکوب نظامی همچنان در این سیاست های رژیم است. اکنون کردستان به یک پادگان بزرگ نظامی شبیه است و تنها می گویند و بیلندی های آن به درجه های مراقبت و دیدبانی تبدیل شده اند. از سال ۶۶ به این طرف عمده ترین تلاش رژیم، کنترل و محدود نمودن راه های نفوذیست که از راه مرزهای عمیق کردستان بوده و برای پیشبرد این هدف، هرچه بیشتر جنگ در کردستان را به جنگ ارتجاعی بسط اعراق کرده بود. عملیات ظفر و کربلاهای هفت ساله عمده تا این هدف را تعقیب می کردند. در سال ۶۶ رژیم سعی داشت که با وارد آوردن فشار نظامی، پیشمرگان را در حالت تدافعی دائمی نگه دارد و به آنها مهلت ندهد که با کار عمل را بدست بگیرند. پیشمرگان این هدف برای وی به بیای گران تمام شده بود. در واقع این سیاست، در اوایل بهار ۶۷، همزمان با شدت گرفتن جنگ شهرها، رژیم برای راهی ازین ست جنگ و در فکرتسلط بر مناطق عراق و بخصوص منطقه نفتی کرکوک و همچنین ضربه به نیروهای جنبش ملی، یورش بزرگ و وسیع خود را در مرزهای با نسیه و سردت آغاز کرد و با اشغال شهرهای حلبچه، طویله، سبار، خورمال، ماموت، چوارتا و... نیروهای جنبش ملی موجود در حاشیه مرزی را به طور کامل به محاصره خود درآورد. بر اثر این حمله، منطقه اورمان و شهر سوده که به عنوان منطقه آزاد شده در دست نیروهای حزب دمکرات بود، به جنگ رژیم افتاد. در جریان این اقدامات عمده رژیم پیشمرگان را با بسته شدن زمان های ملی کردها دست رسیدند.

حاضر این مسائل به شکل سیاسی تری بیسیس می رود، مثلاً با گرفتن مقداری پول به مردم اجازه برگزاری جشن عروسی و رقص و آواز زحمتی خود را میسر می دهد. در سطح اکثر شهرها، کمیته مستقر شده است. رژیم در راه با مسائل فرهنگی سیاسی تاکتیک های تازه ای بنا کرده می گیرد. مثلاً در پانز سال ۶۶ با یکارمله "سروه" و همکاری ارکانهای رژیم از جمله استانهای و فرمانداری، کنگره فرهنگی ادبی کردی یا شرکت ادیبان، سازمان و شخصیت های منطقه ای و محلی در پیوستن میا با تشکیل شد. در این کنگره و محفل زبان و

زندگی و مبارزه در کردستان

فرهنگ و ادب کردی بحث شد و مقرر شد که از سال آینده درس کردی به عنوان ماده درسی در مدارس تدریس شود. رژیم پیرامون این کنگره تبلیغات زیادی به راه انداخته است. اما قبلاً از این کنگره به تبلیغات را پس کنگره فکری کند، به نتایج سیاسی آن فکر می کرد. در همین رابطه با بیستی اکتافه خود که علاوه بر اینکسیه تلویزیون های میا با دو سندج هر روز به زبان محلی برپا می دادند، تلویزیون سراسری هم در روزهای پنجشنبه و جمعه به مدت چند ساعت برپا می کردی دارد. رژیم سعی می کند که سیاست خود را به زبان کردی تبلیغ کند. و از این جهت نشینی ها وسیله ای جهت تبلیغ بریدن نیروهای انقلابی و ملی کردستان است. از این رو احساس و شناخت مردم از کمیته با گذشته تفاوتی نکرده و همچنان به چشم دشمن بسته آن نگاه می کنند.

رژیم علیه تمام می فرزندها و سیاست های بیجده ای مردم با یکی برای خودکشی کنند. نمونه های فراوان اعتراضی مردم به زورگویی های حکومت، دلایل برای مدعاست. در شهرهای سندج، میا، بامبوکان، اشویه، سقز و سایر شهرهای کردستان نمونه درگیری های مردم با کمیته ها و با سداران به بیسیه مسائل فرهنگی و اعیان ملی، بسیار فراوان است. برای مثال در شهر میا با در چند مورد با سداران را به مدت کنگ زدند، در چچارشته سوری سال ۶۵ و ۶۶ در میا با مردم با سدارها درگیر شدند، با سداران عده ای را دستگیر کردند، مردم در مقابل محل سارا احتشاع کرده و به زور دستگیر شدند. از آنجا که مردم با خود شایده میمردی نموده و وسیله در میا بسیم سوگوار می شرکت می کنند. در روستاها نیز مقاومت مردم به اشکال گوناگون وجود دارد. زنان روستای می سخا نه به سیاست های سرکوبگرانه با سداران مستقر در میا با میا اعتراض می کنند. در مواردی که رژیم سرکوب می کند میا جوانان روستا را به بیسیه ارتش با پیشمرگان دستگیری کنند، زنان دلاوران با جوب و جماعت و سنگ به سداران و ارتش میا حمله کرده و با اعتراض دسته جمعی و اجتماع در محل با یکی هودادین شعارهای خرد رژیم، دستگیرندگان را آزاد می کنند. این تاکتیک در کردستان به تاکتیک عمومی و موفقیت تبدیل شده است. در مواردی

مسئله با است توجه این است که رژیم در سال ۶۶، اولاً در سطح وسیعی از نیروهای حاشیة نظامی در درگیری ها استفاده کرد، تا نیا در تعقیب مسئله سرکوبی ظاهر این امتیاز به مردم داد که جوانان روستا ها را به جبهه نبرد و جنگ... در میا با یکی که در روستا مستقر کرده است به خدمت گمارد، تا نیا در بسیاری از روستاها را در ادامه تسلیم اجبار می شده، آنها را مجبور می کرد که به نوبت در میا با یکی نگهانی بدهند. رژیم در جریان این اقدامات سرکوبگرانه تلاش می کرد تا جنگ در منطقه را به جنگ بین کردها تبدیل کرده و نتایج ملی و برادرکی و دشمنی های عشیرتی راه بسا نند، همچنین رژیم سعی خواست با این کار تا مین نیرو کرده و نیروهای غیربومی را بسیم جبهه ها گسیل داد. علاوه بر این تلاش می شده است سیاست سرکوبی به عنوان یکی از نمودهای قدرت و تسلط رژیم به نحوی پیش برود. رژیم در سال ۶۶ و اوایل بهار ۶۷، در رابطه با سرکوبی تلاش بسیار کرد، کلیه راه های عبور و مرور بین شهرها به شدت کنترل می شد، میا میان هر چند وقت یک بار مفلول و برای سرکوبی به روستا ها سرکوبی شدند و در رابطه با علمان و کارمندان و کلیه مزدگیران دولتی، سیاست اجباری کسردن رفتن به جبهه ها در پیش گرفته شد.

رژیم گریزنا نند در کلیه امور مربوط به مردم از کنترل نامتولف ها گرفته تا نفتش و سرکوب زدن محاسن و عروسی ها، دخالت می کند، اما در حال

سازمان دروغ گویند
تنگار که خلق ها لوست
ها لو خودتی جنا با خلا
دست تو دیگه برای ما روست

سخنه از صفحه ۵
از نبرد فدائیان خلق
* ملانسا *
با این همه هرج و مرج ای دوست
شیخ اکبر ما چقدر بیروست
به سخن نماز چون در آید
در کجا خطا به سخت برگوست
لیخنده لب، تفنگ بردست
نورانی و صاف - چون گه بی موس
گرا آدمها دل لوح با شستی
گوش از شو دروغ - گفتن از اوست
با آنکه دعا نویسن بسوده
به بده که او داد و چه نیگوست!!
صاحب نظرا صور، زینهار
از حیثی و نفاس و هر چه جزا و ست
و ارد به مسوزا اقتصدی
در بسته و نفت و میزگر دوست
همتا جرتوب و تانگ و فانتسوم
همتا جرتوب و روده و پوست
همکار نفاس جنگی است است
همه علم و ورود جا دوست
ایران که چمنی است اکنون
در محبت و بهشت مینوست
دعوی کند و که وضع ایران
از بهر جا نیا یک الگوست

دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *

مردم روستا از زن و مرد و پیر و جوان به شهر آمده و در استانهای و فرمانداری تحصن می کنند و خواستار اجرای مطالبات خود که عمدتاً در رابطه با تنظیم و زور و فشارها یکیها به مردم است، می شوند. آنچه که در رابطه با اشکال غیر مسلحانه میا رزه مردم قبل از استان، این است که در دو سه سال اخیر در بسیاری از روستاها و مناطق بیشتر رژیم در کردستان، مردم به اشکال غیر مسلحانه میا رزه و اعتراض دسته جمعی هم تما بیل جدی تری پیدا کرده اند، علاوه بر شما بیل جوانان که هنوز هم همچنان به صفوف پیشمرگه روی می آورند، مردم در کلیت خود در شهر و روستا، به تجربه در پاره ای مکانها کزیرا از تخا دشویه های دبگیری هم برای میا رزه هستند. هر چند با بیستی گفت که به علت وضعیت عینی خاص روستاها و فشار رژیم در رژیم در آنجا، نمودا اعتراضی بوده ای در روستا ها با رزتهاست.

وضعیت اقتصادی و معیشت مردم بسیار نا مناسب است - بسیاری مخضل بزرگ مردم است، بنا جرت روستایان به شهرها و اشکال اجباری آوارگان جنگی در شهر، با عت افزا پیش شهرها شده است، بدون آنکه مکانات شهرها توسعه با بیستی - معضای طولیل و کمبود مواد غذایی در همه جا به چشم می خورد. قیمت اجناس بالا است.

علاوه بر ظلم و جور رژیم خمینی، هیولای جنگ هم بر سر شهرهای کردستان چپا تمه زده و به آن جنگ و دندان نشان می دهد. با تشدید جنگ شهرها، شهرهای کردستان از جمله سقز، سندج، میا با، با نسیه، سردت، بیرا نشهر و میوان بارها به خون غلطیدند. در اوایل تابستان ۶۶ شهر سردت توسط رژیم جنا بتکار عراق بسا ران شیمیایی شکه بر اثر آن صدها نفر شهید و هزاران نفر مجروح شدند، در میا با همی خردا دوتیرا سال به علت پیشروی سریع ارتش عراق و توپ باران شهرهای بیرا نشهر، سردت و با نسیه، این شهرها تخلیه شده و اهالی آن به جا های دیگر پناهنده شدند.

اختلافات نیروهای جنبش ملی مردم انگران کرده است. آنچه که قطعی است این است که مردم خواهان تفرقه نیروها نیستند. تجربه درگیریهای حزب دمکرات و کومله نشان داد که این شیوه حاصل اختلاف را به حای نمی برد فقط باعث تضعیف جنبش می شود. در حال حاضر پیشمرگان هم هیچ تمایلی برای درگیری با برادران همسنگرو هم رژیم خود ندارند. آخرین اخبار ما حاکی از درگیری حزب دمکرات و جناح انقلابی در منطقه مرزی سردت و بیرا نشهر است که خوشبختانه تلفاتی به همسرا ه ندا شده است. آینده نشان خواهد داد که در طرف تا چه میزان می توانند در راستای ادعاهای خود حرکت کنند. بدون شک برهیزا ز تفرقه و درگیری قهر آمیز یک ملاک جدی برای سنجش برخورد مسئولان نیروهای ملی کردستان است.

در شرایط کنونی تقویت جنبش ملیتی و ترقی خواه در کردستان نیا زمندتدا بیرونا زه تفری است. این تدابیر باید در خدمت جلوگیری جدی از تفرقه هر یک از ما زمانهای انقلابی و سازمانهای ملی کرد، در خدمت طرد هر نوع تقابل و اشکال قهر در رابطه میان ما زمانها و در خدمت جلب همه ما زمانهای انقلابی و نیروهای جنبش ملی خلق کرد به همکاری و اتحاد باشد. این تدابیر همچنین باید متوجه بهره گیری دقیق و گسترده از اشکال سیاسی میا رزه در شهرها و روستا های کردستان به مساوات مقابله مسلحانه جاری و جستجوی خلافت را همسای نوبین برای بهره گیری از همه نیروها و مکانات توده های کرد در نبرد با رژیم خونخوار خمینی شود.

نا بود بشد صنعت و تولید
بیا زار در این معرکه رقصید
شب تا به صحر، گرسنه - نا لیسید
در حمرت یک سکه بول نفست
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *
گوش تو برا زجهل فقا هست
افسانه مسللاو کراست
خودپار بدهکن بندا سارت
انصاف بده بیزدکا - نفست
دیدید چه گلایه سرشان رفت؟! * * *

آدرس
P.O. Box 1091 WIEN AUSTRIA

حساب بانکی
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
NR. 029 10701 - 650
DR. GERTRAUD ARTNER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!